

قرن بیستم

ساحب امتیاز و نویسنده اساسی : ر. میرزاده عثمی

شماره ۲۹ جلدی الثاني ۱۳۲۱

طهران ۴ داخله ۸ خلوصه ۹ تومان وجه اشتراک

برای محصلین ، کارگران ، و اعضاء اتحادیه ما • تومان

قیمت اعلانات با دفتر است

مقتضیات سیاسی

کابینه کهنونی و نظریات ما

روز چهارشنبه کابینه آقای مستوفی الممالک بنابر ذیل بدو در حضور شاه و سپس در مجلس معرفی گردید :

آقای مستوفی الممالک رئیس الوزراء و وزیر داخله
 آقای سردار سیه وزیر جنگ
 آقای ذکاء الممالک وزیر خارجه
 آقای نصر الممالک وزیر عدلیه
 حاج عیثم السلطانه (متوفی) وزیر معارف
 وزیر پست و تلگراف و وزیر فوائد عامه و تجارت همین روزها معرفی خواهند شد .

سیاسی این پایتخت بگذرانند و اگر جزاین بشود ما پیش گویی می کنیم که انترنک و حقه بازی و آتش افروزی او همه روزه دولت و ملت را در زحمت خواهد داشت و در قله دیگر دهرده مضحکه در دهان زده تشکیل این کابینه آویخته شده بود و موجب نگرانی عموم علاقه مندان به مملکت بود که تکوین وزارت سالار لشکر بود چه که از قرار اطلاعاتی که از منابع خصوصی رسید خانواده شاهزاده فرهادی با یکدیگر

سالم ملت است این برده اظهار کنیم این است که می گوئیم ملت نسبت به یکی از اعضای کابینه یعنی آقای عثمی الماطله خوش بین نیستند اما بگفته چه بزرگ همه نظریات مردم را میتوان جبران کرده و اسباب امیدواری عموم ملت باشد ما خوش بینی و حسن عقیده عمومی است نسبت به شخص آقای مستوفی الممالک و امیدواری عموم ملت از دحض عثمی ایشان

مقتضیات اجتماعی

الهی تاز به برای کار

کار برای آدم های تازه

در مقاله گذشته گفته که :
 - وزن گرامافون نسخه اول را خوب کار میکند و آواز گرامافون را خوب استخراج میکند ولی در نسخه دوم گند میشود و نسخه سوم را بگویی خراب میکند پس در نسخه ۴ در یک نسخه هر سه نسخه است باید آواز در نسخه دیگر بکار اینداعات رجال انقلابی این برای دوره اول یک انقلابی را خوب بجا میاورند دوره دوم غیرکاری (گند) میشود دوره سوم را قوی می کنند

ما و عموم ملت بطور قطع انتظار داریم که تمام بدیهای ما و عدم رضایت عمومی از اعضاء کابینه را حسن کتایت و سر پنجه همرونده سیاستمدار کهنونی که در واقع هنوز سخت امهال اعضاء کابینه حاضر هستند هر قنومه و امهال وقت عمومی و رضایت مندی نامه ملت فراهم نماید پس این معالجات جزئیات و مراتب جدید و فعالیت زمام دار صالح امروزی اجازه میدهد که هیچ يك از اعضاء کابینه از حدود قانونی خود تجاوز کرده و مواجبات دل نوری و بروه ملت را فراموش کند و وجود این همه امیدواریها از نقطه نظر ملاحظه می کردیم که در این راه چه چیزها را باید از نظر نشان آید که در هر موقع در همچانی از عناصر مملکت تشکیل می شوند و از هر کابینه و هیئت دولتی که روی کار آید بطور غیر مشروع توقعات و انتظارات دارند چنانچه کابینه غیر صالح باشد و نظارت غیر مشروع و توقعات آنها را اجابت نکنند بطور آشفتگی و ساد آن اشخاصی بطور قایل کابینه کرده اند و نظارت و رضایت مندی مینمایند و هر وقت همان کابینه انتظارات آنها را اجابت نکند فوراً به بین شده و نسبت به جان هیئت دولتی که تا دیروز قدرتی و طرفداران هیئت بوده اند بشوخیل هتاک و دستبرد می و مخالفت می کردند و همین است رفتار آنها با کابینه های صالح پس رضایت و عدم رضایت این اشخاص هیچوقت معالجات اعتبار نبوده و حالات آنها از مردم ، ملت واضح و روشن است فرض از بسط این مقدمه آن است که با نهایت حریت و اشتیاق تذکر داده و بگوئیم بگانه مطلب مهمی که باید مورد رضایت زمامدار صالح کنونی بوده باشد آنکه مقتضی است سیاست را در نظر بگیرد که سیاست فارسی از صلحاء و نوده حقیقی ملت که رضایت و عدم رضایت آنها دوره ترتیب از دولت اعتبار است در هر مرحله تشکیل ندهد

از همین رو رجایک در یک یا دو دوره انقلاب میسر و قائم بوده باید در دوره سوم و چهارم بان ها معالجات

اول باید فهمید چرا انقلاب بیگانه و چرا انقلاب واقعی میکند که عادات و امهال طایفه زیر دست موجب عدم رضایت طایفه زیر دست باشد

در این مقاله این امر نسبت را توضیح میدهد :

اول باید فهمید چرا انقلاب بیگانه و چرا انقلاب واقعی میکند که عادات و امهال طایفه زیر دست موجب عدم رضایت طایفه زیر دست باشد

و انقلاب واقعی میشود که عادات و امهال طایفه زیر دست موجب عدم رضایت طایفه زیر دست باشد

و انقلاب واقعی میشود که عادات و امهال طایفه زیر دست موجب عدم رضایت طایفه زیر دست باشد

و انقلاب واقعی میشود که عادات و امهال طایفه زیر دست موجب عدم رضایت طایفه زیر دست باشد

و انقلاب واقعی میشود که عادات و امهال طایفه زیر دست موجب عدم رضایت طایفه زیر دست باشد

و انقلاب واقعی میشود که عادات و امهال طایفه زیر دست موجب عدم رضایت طایفه زیر دست باشد

و انقلاب واقعی میشود که عادات و امهال طایفه زیر دست موجب عدم رضایت طایفه زیر دست باشد

و انقلاب واقعی میشود که عادات و امهال طایفه زیر دست موجب عدم رضایت طایفه زیر دست باشد

در شهر قبول یک شرط مهم می کابینه را در معرض افکار عمومی گذاشته و بطور تبیین اشعار فرمودیم که اولین شرط و بگانه خصوصی که رضایت آن ملت نامه و جهت حسن پیشرفت امور اداره مملکت است و در همان حال که سیاست و وزراء کابینه دولت است زیرا بگانه در بدین معالجات اعضاء که روی سیاسی هر يك با آراء و عقاید دیگری میبایند و یکی در و بی گانه است چطور ممکن میشود در قضایای حتی و مسائل دقیق سیاست مملکت وارد مذاکره و مشاوره گردیده و موفق بعمل غرضش آن قضایا شده رای بگیرند

ملک زاده دیرین جگر گوشه شیرین
 فسه شما قوم رنجور مردم بیرون کرده از گور
 این خرابه قبرستان نه ایران ماست این خرابه ایران نیست ایران کجاست؟
 در عهد من این خطه چو نردوس برین بود ای قوم به زندان قسم این ملک نه این بود
 چه شد گردان ایران جوانان دشت ایران
 نا جدار خورو کجائی بیگانه بر ایران نمائی
 این خرابه قبرستان نه ایران ماست این خرابه ایران نیست ایران کجاست؟
 هان ای پدر تاجور ای غم زده خسرو خیز از لحد و باخبر از کشور خود شو
 سرای همه کور است همه اهل قبول است
 مرده بروی از مزارند زنده ماند زندگی ندارند
 این خرابه قبرستان نه ایران ماست این خرابه ایران نیست ایران کجاست؟
 فجداد من از تاجوران کی و ساسان ریزند بسر خاک غم از ماتم ایران
 همه در غم و اندوس مصیبت زده سیروس
 داریوش رسر زان است در عزا انوشیروان است
 این خرابه قبرستان نه ایران ماست این خرابه ایران نیست ایران کجاست؟
 دستی بر آزه و به می برده شیرین و آنگاه در گدستی باندست به قرن
 که ای اولاد تا اهل بنامد نان گر از چهل

گرفته بودند حال و موقع است از همین قرار سایر مسائل را که موجب انقلاب است فرض نماید :

وقتی انقلاب کنندگان ملاحظه کردند که هیچ يك از ناپیستانی که در نتیجه انقلاب گشته اند موافق و باخود موافق آنجا که قبلا در نظر گرفته شده بود نشده بی شبه مابوس گردیده و گمان خواهد داشت که اگر انقلاب می کردند بهتر بود و وقتی صاحب این عقیده شدند مراجعند از مرجع شاخ و دم ایبارد [تمام آن مایه در صدر مشروطیت با ابراهیم حرارت فریاد بزدند انقلاب انقلاب آزادی آزادی امروز با آرایش و رنگی دیگر شده بود

باید با آنها گفت اگر از انقلاب آنچه مانتور کرده اند تصور شما است تصور خسته کوی شما است چرا آن دو سال بعد از انقلاب تقریباً رسوم مشروطیت و آزادی از حالتی که هفده سال از دوره انقلاب میگذرد خیلی بیشتر بود برای آن که آن وقت شما خسته نشده بودید

معرض از کار در این مقاله ما را پیشوای سیاسی و روحانی آقا میرزا تقی خان مازندرانی در این باره میفرماید :

برای آنجا که خفته سال است پیشوای سیاسی و مرجع تقلید آزادی خواهی بوده اند دیگر از کار افتاده اند نمی توانند مانند روزهای سالهای اول کار بگنند خسته شده اند آنها حالت آن سوزن کرامت آفرینی را پیدا کرده اند که در چندین صفحه استعمال گردیده و گذشته و خاصیتش از این روئی همان طوریکه آن سوزن را باید بدور انداخت و سوزن تازه بکار برد این دسته هم باید بان قبلی امور که قبلا ذکر شد دیگر نماند و باید بگنند و باید که همه مناسب آن روزی تصدی شغل سابق آنها بشود .

انها چونکه امروزها میگویند ندارند عجله میکنند که در حقش داشته باشد جوانی نکنند ما هم همین طور مثل شما بودیم ولی حالا دانستیم که آن آندی اصلاح بوده آنها هم مراجعند

باید با آنها گفت که در اثر اندویش شما يك علائمی از آزادی و مشروطیت در چهار سال اول پس از انقلاب دیده میشد وقتی شما ملاحظه کار و اخته رو شدید دیگر اثری از آزادی و مشروطیت نماند شما باید پرسید و يك عده از ادمهائی تازه نندرویدند تا آن آزادی و مشروطیت را احیاء نمایند

يك مسئله دیگر : روز انقلاب -- آزادی انقلاب روز انقلاب عبارت آن دوره است که عوامی انقلاب بلند است روز انقلاب

برای بومزدن عادات و رسوم زشت حکومت استبداد است فردای انقلاب که عبارت از دوره تکامل باشد ایام گستاخیدن رسوم و عادات و قوانین استبداد است بجا برود و رسیده اینها بگنند امروز روی کارند یعنی مراجع انقلاب آزادی خواهان معرفی شده اند

روز انقلاب دانشمند و آواز معلومات علمی فردای انقلاب بکلی ای اطلاع اند این است که فردا با انبساط خاطر بگردند اینها باید گنار بگذارند و يك دسته که از عملیات فردای انقلاب کاملاً معلومات دارند جلو بیاورند و آنها همان ادهای تازه هستند بقیه دارد

ضد عفونی بر علیه مکر ب روی کاغذ و ثوق الدوله

اخیراً مقالاتی در یکی از جراید با نعت برای نظیر وثوق الدوله شاهنامه یافته و او رسیده آن وثوق الدوله را یکی از اشخاص با هوش و فوق العاده معرفی نموده و بخوبی خود خواسته است به مصلحه و اشتباهاتی جنابات غیر قابل عذری را که آن ابوالمول ایرانیت عمدا مرتکب شده ابراهیم نهاده ولی قابل از آنکه طول زمان برده از روی کارها بر داشته و قصاصات در حوادث مهم تاریخی شده و خائنین را از یکدیگر تفکک ساخته خادمان در پیشگاه ملت و ستمت تاریخ مفسر و سیرافراز و خائنین بیشتر مفسر و مردود واقع میشوند

اری وثوق الدوله دست نظامیان اسرار کاشی را از حر اهالی انحدود نکوت کرده ولی در عوض خواست مایه ایران سواحل رودخانه طایپیس را که دیونها دفعه رای ایران از اشرا داخلی پذیرند در سررا سر مملکت حکمرا و مالک از قلاب نماید ما هر تصدیق میکنیم که انکبوتها با دانتین خدمتگذار سیمین مثل وثوق الدوله وجود اشرا کاشی را بی نمر دانسته در قلع و قمع آنها گویند

که میگویند وثوق الدوله يك شخص فوق العاده و با هوش است

اینکه در عالم نیست که يك نفر زوایم دار برای حرس و سیادت چند روزه خود استقلال يك مملکتی را بر باد داده فقط حق کرامت و شرف همه آنها را سلب کرده است

آقای مصنف ؟ تصور نکنید که حکمه و جرات و افکار عوامی فقط وثوق الدوله را منفر دانسته و قال حیات تبدیل با که شما را سایر طرفداران او را محرم و سزاوار حرك میدانند چرا که وثوق الدوله به قهرانی قهرمان است مقصد شوم خود را انجام دهد و بدستبازی همین شماها ایچک برای امان چند روزه زندگانی آبر خود مبنای گرفتید و پشت با بشرافت مایه و استقلال مملکت زدید خود را مبنای چنان جاهانت مدعی شوید

من میدانم شایرین هم میدانند فقط چیزی که شما را متجری برای فخر این کوزه اراج سباه ساخته حالا نه چندین گینرا حال و لدیدن جزای خائنین است و باید اینکه وثوق الدوله ایران آمده و آخرین نیکه برای فنا واضه حال ایران در تراکن دارد بهدستی شما بریزد ایران زده و ضمناً هم زنی قانی خود را تا بین کشید بدست و با افتاده اند ولی این اشتباه است وثوق الدوله ایران نخواهد آمد و از این دست با زدن شما غیر از آنکه جنابات و مملکت بر باد دادن وثوق الدوله را تازه نموده خشم و غضب ملت را برانگیزد و بر بدستبازی دیگری نخواهد برد و بطور اطمینان بشما میگویم که دست انتقام ملت همین زودی از استن بیرون شده شما را به گنر اهلان خواهد رسانید

اتحادیه تجار

ایله سه شنبه ۲۶ شورش جاری از طرف هیئت عزم تجار طهران مدیران جرایم مرکز دعوت شده بودند که در موضوع زیادتی واردات اقمه و اجناس بر صادرات اجناس و اقمه داخله مذاکرات و تبادل افکاری بعمل آید شاید در نتیجه فکر آنان و توجهات دولت فکر اجازه برای جلوگیری این ترقیب تا کار که منتهی بقدر و نولات عمومی خواهد گشت و نمایانند و موجبات تعدیل واردات صادرات مملکت در آینه فراهم شود

لايه از طرف هیئت تجار قرائت گردیده مبنی بر اینکه دولت باید از ورود اجناس نجهل و قدری که جزو ضروریات است جدا جلوگیری نماید شاید با توجه به شرایط تعدیل فراهم گردد

کر چه اجرا این پیشنهاد و عمل شدن آن چندان سهل و ساده نظر نمیشود زیرا استعجاب فستولات عیش و اشباع تفریحی به طبقه اول و دوم مملکت که خود آنها غالباً مسافر امور هستند اختصاص دارد و این اشخاص بطور غیر مستقیم هم چه را بخرانند از خارج وارد میکنند و تا وقتی که با امروز پیدا خواهد کرد همان اشخاص که ورود آنها امروز جزء عادات عسوب و بدمیت عامه وارد میشود پس به بطور غیر عادی و کران تر وارد شده و ممکن است ابراب بیشتر از این ایام از تربیت مملکت بکاهد بهلاوه برای اجرای این مقصد اشخاص بیخمس لازم است

مدیر مجمع دموکرات - موافق

شیرازی از بزرگان اجداد

شیرازی از بزرگان اجداد شرمندان پس از ما زنان یاد کاین خرابه قبرستان الخ

دو حال دیواری حراب شده و از نظر ها هر میشود بیروس با هیکل بر آهت و قیافه عظمت که در خور سلاطین مملکت است پیدا می شود دستش را سخت به پیشانی قشوده و میخواند

بهمان طریق که بیروس پیدا شد ظاهر میگردد چنین تا بر مم بود مسخر چو بر دم نصف کره خاک بر اخلاف سپردم کوب رفته بشمارت کفر قنار اسارت حیث از این جهاکبر انبیم نک نمانده از صدیکش نیم این خرابه قبرستان نه الخ

بیانات شوروی

مجلس

پس از قرائت صورت جلسه قبل آقای رئیس مکتوب تقدیمی آقای داور را پیش از اجازت مرحلوی ده روزه از تاریخ ۱۸ دلو چیه رقم ماضیه کسالت خود قرائت نموده و آقای شیخ اسدالله اظهار داشتند که پس از انتصاب مدت اجازه نامه حالانیست در مجلس مطرح شود

آقای اقبال السلطان اظهار داشتند که اغلب آقایان از نجات عارضه ایشان اطلاع دارند و بالاخره رای گرفته و تصویب گردید

نویس آقای رئیس دو خواست اجاره مرحلوی برای مدت هفت روزه آقای میاوند را قرائت نمودند

آقای فتح الدوله اظهار داشتند اساسا بطله با درخواست اجاره تعطیل مخالف هستند چه اینکه اگر شخص مریض باشد طبعاً از حاضر شدن در مجلس معذور خواهد بود خواه این که تصویب بشود یا نه و پس از مذاکره ای تصویب گردید

آقای شیخ الاسلام اظهار داشتند طبعاً واحد در خصوص انتخابات باضای ۱۹۲۷ از آقایان نمایندگان چندی است به کمسیون میفرستادند و با تاکیداتی که رایج گردیده است هنوز کمسیون آنرا تهیه مجلس نداشته است

که قبلاً در تحت مذاکره نظر گذارده شده و همین دو روزه نمایان خواهد آمد

آقای رئیس - شور در لائحه مشوجات والیه واتی مطرح است ماده اول قرائت گردید و آقای سائری زاده عقیده داشتند که حتی الامکان بایستی

در آن قید شود چه که ممکن است در بعضی نقاط بقدر کفایت مشوجات واتی بدست آید

آقای شیخ رئیس اظهار داشتند در همه صورتی کار هیچ وقت عملی نخواهد شد با لائق بر رئیس مالیه فلان دولت بگردید که حتی الامکان شما با انصاف رفتار کنید

پس از مذاکرات طولانی برای ماده اول رای گرفته و تصویب شد

ماده دوم قرائت گردید آقای حاج شیخ اسدالله عقیده داشتند که چرا قید شده است که در زمان اشتغال خدمت بایستی لباس وطنی بپوشد اگر مقصود ترویج صنوعات و مشوجات وطن است بایستی قید زمان اشتغال خدمت را بر داشته و کلیه مستخدمین دولت در زمان اشتغال بخدمت و غیر خدمت با لباس وطنی باشند

آقای کارزوی در این باب توضیحاتی داد و بعد پیشنهاداتی از طرف بعضی از آقایان در خصوص انضمام کلاه و کفش و قهوه پسه ماده دوم قرائت و رد گردید

آقای ارباب کب خسرو پیشنهاد کردند که اجزاء و اجزاء درباریان ساطنی هم در جزو ماده دوم قید شود و در ضمن توضیح اظهار داشتند

گن جامه خویشی بپوشانند

به از جمله ثابت خوانند

بصل آمده و رد گردید

بالاخره در خصوص ماده دوم هم رای گرفته و تصویب شد

ماده سیم قرائت و مذاکراتی دربار آن شده و آقای حاج میرزا علی محمد پیشنهاد نمودند که در صورت مخالفت با این ماده در

در ماه از قرار صدیک از حقوق ایشان کسر خواهد شد و پس از مذاکرات لازم ایشان ابراهیم فوق الذکر تصویب گردید

ماده چهارم قرائت و پس از تبادل آراء تصویب گردید در این موقع مجلس برای نلس تعطیل و قریب سه ربع بعد مجدداً تشکیل گردید

آقای رئیس - لائحه قرار داده وقتی تاجاوری این مصر و ایران مطرح و ماده واحد قرائت و تصویب گردید

نویس لائحه امتیاز مادن نیک و گوگرد جزایر هرمز و حکام و لارک و غیره قرائت و آقای انبال السلطان متبذشان این بود که در این قیبل کار هنا جانب نظریات دکتر میسوی رئیس کل مالیه خالی از ضرورت نخواهد بود

مجلس کمسیون - دولت در وقتی این پیشنهاد را نموده که مکلف به رایجه ایشان نمی بود

شاهزاده امرت الدوله شرحی مبنی بر موافقت با لائحه پیشنهادی کمسیون قرائت نامه اظهار داشتند آقای مهران هم توضیحاتی بجا می دادند

در این موقع بکلی بودن مذاکرات و دخول در شور بود رای گرفته و تصویب شد

ماده اول قرائت و آقای زنجانی توضیحاتی در آن خصوص داده و با طول مدت چهل سال امتیاز مخالف بوده و نظریات

مالیه بحضور وزیر مالیه معرفی گردیده و آقای وزیر مالیه اعلیٰ مصلی مبنی بر ترویج جریان امور مالیه اظهار داشتند

در شب در سائون گراند هتل نمایان نظامی وظایف شناسان تصنیف آقای کسرائی فرقی آماده جالب توجه نمایان جهان گردید

مدیران محترم جراند و آقای وزیر مالیه و اغلب صاحب نمایان مشورتی در این نمایان حضور داشتند

با خیلی خوشوقتیم که خبر داده شده نمایان در ایران اهمیت پیدا میکند و در وقت از جدول امورات خارج میشود

قرن بیستم

جامعه دیانت

در شب اقا شیخ هادی بصیر نطق مصلی بر علیه قرارداد انکابها در بین اولین اظهار نمود و قیاس اندازه مؤثر واقع کردید

انجمن اخبار

نگارشات روتر

در روز پنجشنبه ۱۵ ذریه ۱۹۲۳

راجم بخانه بن النورین

اندن ۹ - کمیته هیئت دولت مامور مطالعه در امور بین النورین امروزی و اورت (در هر حق کاکون) را مطرح شروع مذاکره قرار داد

اویسنده مقالات سیاسی جریده (دلی نیوز) در این موضوع میگوید: چنان بنظر میاید که نمایان بین النورین در آینه نزدیکی بواسطه ماهده که در آن گذارده شده بملک قبضل منتقد گردیده بواسطه پیشنهاد احاله قشبه بر صل بمجمع اتفاق مال یگانی از انتظار عمر گذشته نازمانیکه امید میبود ماهده زمان امضاء شود کمیته احتمالی رود نخبه موصول را توصیه کرد لکن گذشته از این مسئله لازمت که کمیته تقابل خارج اینجا را تحت مطالعه در آورد

شماره ۷

نصود هم میبود بودجه مخارج سال آنهمه بالغ بر شش میلیون میرود بشود

مراجعت حاکم نمیداشده

حاکم (دولت لورک) کاخپرا

از جانب اولیاء نظامی از یک امید شده بود امروز مراجعت کرده و در بلدیه لفظی تغییر شدید الحاقی ایراد نموده و پس از خانه لفظی مجدداً مامورین بازرسی آورد

تعمیر و تجدید گردد مجدداً اعضا هیئت از قبول مرادلات و امتانات بازرسی امتناع ورزیده و مرادلاتی کادر اولیه تحت تصرف قوای بازرسی برای انکابیان فرستاده میشود

از راه دیگری ارسال میگردد

اعلان اعتصاب

بازرس - نظریاتیکه مذاکرات رایج آنرا که کردن در مراجعات نهادن [موزل] توجیه مطاوعه حاصل نشده به اعتصاب عمومی اعلام شده ولی خدمت هزار نفر برای تدبیر شدن بکار باقی هستند - قوای قرائت بن باب احتیاط معدن [سار] را متصرف شده ولی عملیات اینجا نیز اعتصاب کرده اند عملیات راه های حمل (سار) هم برای افسانه مرد آمید به اعتصاب نموده اند

انتقام حجت عثمانی

مخبر رسیده است که او را اعاده ورنه نمانی

جدداً يك انتقام حجت دیگری به منتفین داده و نشان کرده اند که در ظرف سه روز از میر را تخلیه نمایند

نظریات نماینده عراق

سردار جهانباشا نماینده عراق در کتراسی آوزان در طی مصاحبه خلیجش وقایع افکار جریده (ار اینک مدت) اظهار داشت تصور نمیکند ششالی ماهده را امضاء نماید زیرا دولت روسیه که طرفدار وی میباشد هیچ وجه مایل به امضاء ماهده نیست اهالی شهر و ولایت در صل نسبت به ششالی مقیم میباشد و بیکانه دلیل اسرار متهانی برای موصول هم این است که میخواهد عراق را مجدداً تصرف کرده و مقام خویش را در خارج فارس محکم سازد

انجمن اخبار

جلسه هیئت وزراء

سهج روز گذشته آقای رئیس الوزراء به دربار تشریف آورده و نیز آقایان وزراء در وزارتخانه های مربوطه حضور میفرمایند مشغول رسیدگی به امورات وزارتخانه گردیده و روزی در آنجا و امضاء به حضور آنها معرفی گردید و موقع ظهر در دربار حضور بهم رسانیده جلسه رسمی هیئت وزراء بعد از ظهر در دربار تشکیل و تا موقع غروب امضاء داشت

شرفیابی

عصر روز قبل نزدیک این ساعت به غروب جناب آقای محی الدین پاشا سفیر کبیر دولت طایفه دنهایی در دربار تشریف آورده و از آقای رئیس الوزراء ملاقات نموده مدتی مشغول مذاکرات بودند

حضور در ویراد تخانها

قبل از ظهر روز گذشته آقای نصر انانک وزیر مالیه در وزارتخانه حضور میفرمایند و جناب دکتر میسوی و مقام الیورا ملاقات و رؤسا و سایر و امضاء وزارت

پرویشان گونی

مدالی دارم

آری انگلیسکه روح او فکر او در بالاخره همه چیز و تمام موجودیت او در مضیقه و فشار طبیعت واقع گردیده و در انظار هر لاندک طبیعت ایستاده و همین طبیعت بی رحم با چشم بد بین با دیدگان اغول و قیافه هیوس و قرش روشنی بازرگانه می گذد

بانی انگلیسکه جراتیات باس و نویدی در کاپیه سواد طبیعت انبهرانند

آدمجودی که در مولات خطرناک طبیعت نظام گن غریب و با هر بدبختی دچار است باید میبود

چهار (پرویشان گونی) که در نمره قبیل سر ازجه تجزیرات من شده بود موجب بی امید گردید زیرا من نمی خواستم برویشان گونی گزاره باشم من اینطور استم اختیارات یک داغ حساس یک طبع افتاد و یک فکر عمیق را پرویشان گونی امیر کلمه پاکه میخواستند حالات واقعی قیافه منوی انفعالات و اثرات یک روح جریجه دار و یک روح متاثر حساس را که در فشار سر نهج بی رحم طبیعت فروروده کی و بیچارگی موحه و دست و کربسان شده است از پیشگاه افکار عمومی گذرانیده سعادت مردن و تقدم مزلو را بر این زندگی

آئی وای که ویرانه شد آن مملکت پیر کش روی زمین کشور خویش خواندی و شمشیر به نیروی دیران مهن بیرق ابراب بدباند در روم و در چین بر فراز قصر سلاطین این خرابه قبرستان نه الخ

خسرو

با لباس ساطنی و زیور زیاد از پشت همان دیوار که محو شد و الوشیدوان پیدا گردید پیدا میشود و روی بجهت کرده باواز رسائی این غزل را بخواند (با نیک بیات استهوان)

معاوم نیست مردم ویا آنکه زندانید این زندگانی است شما می کنید مرگ احدادنان بحال شا کره میگردد گر چه میانه مال اسباب خنده اید غایرانی از قدیم مهن بود و سر بلند جانش بلب رسیده ز دست شما مگر شیرین

با لباس سیاه عمروس انگلیس پرسیده نهاد قیافه فرقی الماده تشاک واد و همگین در از دیدن خسرو نظام میگرد و با شیون مؤثر و مجزون این بیات را بخواند [موزیک مخصوص معنابه به موزیک یکی از تصنیف های ملی متهانی]

ای خاک پاک ایران زمین ایران ای حجابگاه شیرین

باید نسبت شود باید دست خونخوار
 طریقت را با مداوای اوش داروی مرگ
 از گریبان خود گزاف کرده این حیات شکن
 با بدو کربد

آری جمله (پریشان گوئی) را
 در سر مقاله قرار نداده بودم بلکه آن
 در مقاله و عنوانی که از قلم من بر
 سینه کاغذ منم شده بود جمله دیگری
 بوده است اما بقیقین دارم این
 جمله را حقیقت با یک نگاه تحقیق این
 لب خند - تیزآه و قاب لا یاکلی بر فرق
 شکایت نامه من که طارما مظلوم او است
 برنم آورده است

من میدانم حرف (پریشان گوئی)
 در مطبوعه شرافت طبیعت چیده شده است
 من بقیقین دارم یکدست بی نصیر
 انگشت منی سابقه از رفتار و نیرنگهای
 ابرمت با آنکه تهای سادگی الیش خود بدوین اختیار
 راز راه با حلت سوق الطبیعه دروش اجباری در
 در بل قوی و اراده نیرومند طبیعت خان
 بدون هیچ اختصار حرف پریشان گوئی را
 در راس مقاله من چیده و این جمله تفریحی
 را سر لوحه شکایت نامه جدی من قرار
 داده آری طبیعت خواننده با این تندی و
 بیادان هاری کرده باشد میخواند بگوید
 هیچ میل و اراده در مقام اراده من نیست
 توان مرض اندام کند میخواند بگوید
 این ناچوای جگر خراش ز فریادها این شده
 ها در پیشگاه اقتدار خود سرانده من
 بجائی نرسد

بلی میخواند بگوید استغافه و احترام
 هیچ مظلومی را گزینش نمیدونم - اختصار
 زانی من اجازه تا تیره باین ناچار امیدم میخواند
 بفرماید

این شکایت نامه های وقت اور در
 بوکله قناتوت من قرار نگیرد
 و مورد بحث و ملاحظه نگذاشته شده و
 بالاخره حکم مقتضی در این موضوعات
 صادر میشود و در مقام اجرا
 گذاشته نخواهد شد

آری این شکایت ها و فریادها
 بیجائی نیست رسد این ناله ها باید از
 رینه های مجروح آسمانز گشتند و باید در
 قبرستان دل ستم دیده محروس و مدفون
 کردند

این سیلاب شرکی که در نتیجه حق
 منقضی های طبیعت از دیده کان جاری
 گردیده نمی تواند بر شعله های جانسوز
 طبیعت آب پاشی کند و التماسات
 غایب سوز دل را خاموش نماید
 این التماسات این سحرقتاری های
 مداوی و این سکه بندی های قلبی
 باید در سینه پاشند باید مثل یک
 میگردوب مسودی در دل اهل کنند
 احساسات عواطف و تمام روح حیات منحصرا
 که که بگردد و بالاخره سراپا تمام هستی
 یک موجودی را مانند شمع از شعله بی
 رحانه سوخته او را با بیاضی و فنا توام نماید
 آری ایست روش و عادات نوم طبیعت این
 است مظلوم کنی و مملکت ذبیله دنیوی
 معاوضه دوستی دشمنی مساعدت ناساعدت
 اقبال و اقبال او یک ضابطه صحیح روش

مداوی ندارد و هیچ کس امیدوار
 اشتیاقی و روزنه امیدواری طریق حباب
 گرسنه این طبیعت شوم را بدست آورده در
 وقت لزوم نتیجه بگیرد چه شعراء
 چه فلاسفه و کاتبانی مثل شکیبازان و کاتبان
 چه اشخاص قوی الاراده با حزم مانند پهلوان
 که افکار عمیق و سرسپهرند مانند آن مرد و جبهه
 ادبار همین طبیعت شوم بگریه از کار افتاده
 مقهور چاقال پولادین طبیعت کسریده
 و باشد عذاب و اسوء حال بسیار در بدی
 کرسنگی فلاکت تیرید حس گزیده و با
 هزاران عقوبت و شدائد خایمان سوز خواص
 اخلاص بطور اجبار دنیارا و طاع کینه
 نیست و نابود گردیده مانند کشتی های
 بزرگ در اقیانوس موج طبیعت نوردفته
 اند و اکنون جز اسی که انهم مسطوره
 فلاکت و سرلوحه بدبختی طومار
 سیاه بشر است در سینه گیتی باقی
 است و انسانی ان اشخاصیک با استکبار دعوت
 میشوند ان بیچارگانیک برای کشته شدن و
 نیستی برای چشمیدن طرد ناگزار مرگ برای
 دیدن ان دقایق و انات سختی که روح
 از بدن مفارقت میکند برای مشاهده سستی که
 گدازه مقدس زندگی حیات بگردد مرگ ناگهانی
 و بالاخره مردن ما تبدیل میشود دعوت
 گردیده و برای طرد در ان مرگ تاروک
 رانده می شود سینه ان کسایک میروند
 چوبه دار و ان استوانه بزرگ برای عدم
 و ان میله ای که در او این فرسخ راه نیستی
 و زوال نصب شده است ان چوبه دار زاریت کند

و تمام ان مردمانیک در اثر میل خود
 سرانه طبیعت بیسای چوبه دار سوق
 می شوند میروند ان چوبه دار را بدو سواد تمام
 موجودیت خود را با نثار میکنند
 میروند تمام شوش بخنی ها و همه امال
 و اوژد و هواهای نفسی خود را در پای
 چوبه دار ریخته در مابجا دفن میکنند و
 بگریه با بار آبی و مغز خالی از هر فکر
 و اوژد به آن چوبه دار بی شفقت
 اویخته شوند

ایا این اشخاص چه نصیر کرده اند
 که باید بان مجازات و پاداش دچار شوند
 شما را بخدا اگر خوب وقت شود خواهید
 تصدیق نمود که بطور اکثر ان کسایک
 امر بگشتن و مجازات این بیچاره
 داده اند انگاه قدر انرا بدان ما معصوم مجازات
 و پاداش مستحقه بل ادرامه کسی را برده
 باشد شما را بخدا ان دارکنه و ادم کنی
 ها که در بعضی کابینه های گذشته از بیک
 در مملکت مواقع میشد آیا ان معقولین
 برای مجازات بیشتر استحقاق داشتند یا ان
 اشخاص حکم فرمایانی که هر روز یک یا
 چند نفر را بدار بزدند

البته خواهد بود مجازات و عقوبات
 و مجازات بی حمت مستحق مار مجازات
 مستحق و اسولی بگذریم و دودید خوب
 فومید عادت تمام طبیعت را میداند
 با این حالت اگر عنوان سر مقاله مرا
 طبیعت تغییر داده و جای او را چه بیرون
 کوهی نوشته باشد جای آنجی نیست
 کوهی نوشته باشد جای آنجی نیست

اهالی بدبخت زنده محضین ناگرا نمانند - به مقدار کمی اعمار
 با ایاتک از سبک نکارش و طرز کفایت و اعماریک در ذیل این شکایت نامه خورده
 است کاملا واضح است که سازنده این کاغذ خیال سکرت زراد را دارد چه اینکه
 های پای کاغذ همه با یک مرکب خورده شده و نیز اشتباه چند مهر با سبک زن کربک
 الدوله کلشن خانم ریابه و غیره از زیر دستش رد شده و در ذیل کاغذ خورده است
 اگر سوال شود کربک الدوله کلشن خانم در زنده گشت چه جوابی داده خواهد
 شد و علاوه در سورنی هم که زنده پست داشته باشد لازم میشد توسطت سواد کاغذ
 را ارسال دارند نه با پست شهری طهران

بالاخره چون ما اساسا در سلطنت مشروطه با حکومت نظامی مخالف هستیم و مکتوب
 فوق هم شکایت از حاکم نظامی بود بدین آن مبادرت نمودیم و از دولت وقت
 تقاضا داریم که بجای وی حکومت غیر نظامی اعزام دارد
 و ضمنا این شخصیک با مهر های مسجد شاهی عراض جعلی درست میکنند توسعه
 مینمایند که از این قبیل حرکات دست بر دارند چه این که در حقیقت اثری است که
 در غیر آن است و همیشه دروغ دروغ است و بی فروغ

ستاره
 از برم تا که سفر کردی و رفتی بشتاب
 دلم از آتش هجران تو گردید کباب
 مطهرم ناله جانسوز و دو چشم ساقی
 یاد امل آب و نعل و سرشک است شراب
 نهمت وصل غنیمت بود از بند فراق
 خاصه آنرا که ز هجر تو کشید است عذاب
 بیخوابی و حرمت صرا در بستان
 سایه بید و تماشای گل و ریش آب
 دوش از فرقت رخسار تو تا وقت سحر
 گریه کردم و از دیده فروشتم خواب
 دل آزاد گرفتار بگرداب غم است
 چون غریبی که گرفتار شود در گرداب
 علی آزاد

احسان
 نظر باینکه در مقابل تقاضای های واصل بادیه طهران بوسیله سیم فرمی
 برای منازل غیر ممکن است بنا بر این اخطار میشود که آرایانی که مایلند به سئوال
 خود چراغ برق بکشند بکار کندان آقای حاج امین الضرب سرمایه و تقاضای نصب
 چراغ و رفع نوائص را بفرمایند
 حکیم اعظم
 ۱ - ۷
 نوره اعلان ۵

مکتوب مهر کتهای مسجد شاه

حضور مبارک ان بگانه طرفدار مظلومین آقای مدیر روشن ضمیر جریده فریاد قرن
 بیستم امام الله بانه
 آقای مدیر تعجب و تعذبات ناله و به کعب منزلت قسم که ما اهالی بدبخت زرد
 بی چاره از هستی - اقیط دست خورش ناله حکومت نظامی ساره شده که بحکم ضرورت
 یک ماه است یکه بیشتر در ناگرا نمانند محضین و عراض شکوائیه خود را بوسیله
 تاگراف کوش زدنایای امور ندوده - بلکه البته بجائی نرسد فریاد است -
 قولا بوسیله ان بگانه طرفدار رعیت شرعی بعرض رسانیده عاجزانه استرحام بفرمایند
 امر بدین در ان جریده فریاد بفرمایند و از آقای وزیر جنگ استرحام
 فرمایند که بحق حق ما یک مدت بی چاره بی آذوقه بی پلا پوتی را بفرمایند
 دست خوش ظلم ظالمین محضین ناگرا نمانند زرد به مهر هست نفر
 قابل توجه از برای دولت و مصادر جمهور و و کلای دارالشورای ملی

در زمانیکه امواج بلا یا از هر طرف اهالی بدبخت زرد را تهدید بمرگ و زوال
 میکند و مظار های حوائکی از قبیل - من و مانع خوارگی نه ساله از مقابل چشم ما
 میکند یک مدت رعیت کرسنه بی آذوقه در این سرمای زمستان دچار ظلم یک نفر
 حاکم جائز چه آلت دست میرزا حسین خان رئیس قاپیقه و حاجی خان رئیس نظایه
 در صورتیکه هر دو از اهالی سراج میباشد و سالیهای نهایی است بدستاسی مسئول
 جبار مردم بودند و اگر از طرف وزارت داخله نظر شکایت اهالی امر بطرح اموا
 از ادارات دولتی صادر شده - از قرار مسود قانون استخفاف هم آنها را ممنوع
 میدارد چه در یکجه است در تاگراف خانه آسمانک محضین از هیئت
 دولت و کلایات استرحام می فرمایند که چون از برای عراض جان نثاران ما ندند
 شب تاروک و بید موج گردایی چنین حایل - گجا دانند حال ما سبکباران
 ساحل ما - دیگر امکان دادن پول تاگراف را نداریم دست مردم زرد است تا بویک
 بست عراض شکوائیه خود را بساحت هیئت محترم دوله عرض بفرمایند اعلا حضرتنا
 ای پدر انحصار ما بیچاره و در مالدکان بنادیمان نران آستان مبارک بپرس -
 ای آقای سردار سپه صکه هواره طرفدار مظلومین بوده اید ما
 راز چنان بی رحمانه این ماکه ظالم خلاص کن قاپی الحکومه زرد بفرستد غیر از
 نقدی که دریافت داشته ای میانی هم ساند گرفته قاپی الحکومه زرد حقوق ندارد خرج
 هم دارد بحکومت هم که باید آمارف بدو یک همچو قاپی الحکومه با رعیت معلوم است
 چه معالیه ها خواهد کرد واقه باقه قائم که صینه قسم است ما مظلوم هستیم باقه لا مظلوم

کوتخت و کوناج و کونگین؟ در بار که شوهر من
 ای ایران - خاک عالمی بر سر من
 گو آن سرداران قشونی همه باقیم و دست خونی
 وان سپاه مایون ملوئی ایران ای مهد و مقبر من
 ای ایران خاک عالمی بر سر من
 گو آن خسروان عالم گریست گو چون بوزرجه سر وزیرت
 قیصر بد کمتر نیست اسیرت ای حجله و ای بستر من
 ای ایران - خاک عالمی بر سر من
 شد در بار انوشیروان مداین عهد ساسانیان
 سیه پوش عزای ایران بساط جامه بر من
 ای ایران - خاک عالمی بر سر من
 جها نگیران ایران بگردد اندر بدبخت این کشور
 چون خاک ریزند بر سر هر یک گوید گو کشور من
 ای ایران - خاک عالمی بر سر من
 با دست اشاره به نهانجا می ها می نماید
 ای خرابه نشین ایرانی یکه از عهد گیتی ستمیانی
 آت یک زمان این هم زمانی چه شد خسرو هوسر من
 ای ایران - خاک عالمی بر سر من